

---

# بازنگاری قصه‌های کهن در قلمرو شبیه‌خوانی با نگاهی به تعزیه (دختر پادشاه ختن) سروده‌ی میر عزا کاشانی

■ داوود فتحعلی بیگی

■ مهدی دریایی

تاریخ دریافت مقاله ۹۳/۰۹/۱۲ | تاریخ پذیرش نهایی ۹۳/۱۲/۱۳

---

---

# بازنگاری قصه‌های کهن در قلمرو شبیه‌خوانی با نگاهی به تعزیه (دختر پادشاه ختن) سروده‌ی میر عزا کاشانی

داوود فتحعلی بیگی | تعزیه پژوه

مهدی دریایی

---

### چکیده

یوسف و زلیخا از آن دسته شخصیت‌های تاریخی - افسانه‌ای هستند که قصه وصال و فراق آن‌ها در روزگاران مختلف زبانزد خاص و عام بوده و تا امروز دستمایه بسیاری از شعرا و داستان پردازان و هنرمندان عرصه نمایش و سینما قرار گرفته است.

قصه یوسف یکی از داستان‌های پرطرفدار و مورد توجه نقالان و نمایشگران تخت‌حوضی و شبیه‌خوانان نیز بوده است که چاپ نمونه‌ای از این گونه آثار در نشریات تخصصی تئاتر، مبین اظهارات فوق است.

علاقمندی نمایشگران سنتی به نمایش درآوردن این قصه تا جایی بوده که گاه با توجه به الگوی آن، قصه‌های دیگری نیز ساخته و پرداخته‌اند که (شبیه دختر پادشاه ختن) نمونه‌ای از این گونه تاثیرپذیری در هنر شبیه‌خوانی است.

واژگان کلیدی: شبیه، شبیه‌خوانی، تعزیه، زمینه، مجلس